

## چشم‌انداز حقوقی خروج کره شمالی از معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای

نادر ساعد

تاریخ دریافت مقاله : ۱۴/۳/۳۱

دانشجوی دکترای حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران

تاریخ تأیید مقاله : ۱۴/۵/۶

صفحات مقاله : ۱۴۴-۱۱۷

### چکیده

خروج کره شمالی از معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای موضوعی است که در این نوشتار ضمن بررسی جایگاه این قید در فرایند قراردادی خلع سلاح، کنترل تسلیحات و عدم گسترش، به تحلیل کلی ابعاد حقوقی آن پرداخته می‌شود. در عین حال، از آن جا که امروزه نیز موضوع خروج کشورمان از این معاهده در محافل مختلف مطرح شده‌است، تدقیق در این قید، کارکرد و نقاط مثبت و منفی این پیشنهاد را نیز به صورت غیرمستقیم مشخص خواهد کرد. در کل، با این که قید خروج اساساً یکی از مظاهر حق حاکمیت دولتهاست، اما با توجه به حقوق بین‌الملل قراردادی اعمال این قید با موانع حقوقی در حال ظهوری روبه‌رو است که عمدتاً از گسترش مفهوم "حفظ صلح و امنیت بین‌المللی" و افزایش اختیارات شورای امنیت ملل متحد نشأت می‌گیرند. این نوشتار صرفاً به بررسی چشم‌انداز حقوقی توسل کره شمالی به قید خروج از رژیم عدم گسترش می‌پردازد.

““““““

### واژگان کلیدی

خلع سلاح، کنترل تسلیحات، عدم گسترش، حقوق بین‌الملل، حاکمیت دولتها.

### مقدمه

این مقاله به بررسی خروج از معاهدات "خلع سلاح" و "عدم گسترش" براساس

قیدی که از قبل در آنها پیش‌بینی شده و به "قید خروج"<sup>(۱)</sup> موسوم است، می‌پردازد. پرسشی که در این خصوص قابل طرح است این که آیا اعمال مظهری از حق حاکمیت دولتها یعنی "قید خروج" از این‌گونه معاهدات می‌تواند بدون هیچ‌گونه مانعی به اجرا درآید. آیا گسترش مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی یا اختیارات برخی سازمانهای بین‌المللی به‌ویژه شورای امنیت ملل متحد می‌تواند به نوعی مانع از استیفای فراگیر این حق گردد و حتی قابلیت طرح این قیود در قالب معاهداتی را که با صلح و امنیت بین‌المللی قرابت زیادی دارند (نظیر معاهدات خلع سلاح) از نظر حقوقی ناممکن سازد؟ به بیان بهتر، اصولاً دولتها همان‌گونه که بنا به تشخیص و صلاحدید خود، به عضویت در معاهدات در می‌آیند، در خروج از آنها نیز (به‌ویژه اگر مسائل حاکمیت و منافع عالیه ملی آنها مطرح باشد) نباید با مانعی خارجی و بیرونی مواجه شوند؟ و آیا تحولات بین‌المللی در مسیر تسهیل اعمال این حق است یا آن که اراده واحد دولتها را به نفع جهانی شدن آرمانها، اصول یا رژیمهای بین‌المللی محدود می‌نماید؟ در پرتو این موضوع، خروج کره شمالی از معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای چه وضعیتی دارد؟

در نگاه اول، منطق نهفته در قید خروج که همان حاکمیت دولتها و به‌ویژه اصل آزادی عمل بازیگران در ورود به گستره معاهدات یا خروج از آن (اصل رضایی بودن معاهدات) است، در معاهدات کنترل تسلیحات (به معنای مضیق آن) قابل استناد است اما در معاهدات خلع سلاح این منطق با تزلزل روبه‌روست. از آن جا که خلع سلاح (در سیاق ظاهری آن) رسالتی در راستای تحقق صلح و امنیت بین‌المللی است، چگونه می‌توان این ترتیبات را به گونه‌ای تلقی و تعبیر نمود که دولتها پس از پیوستن به آنها، بتوانند بنا به تشخیص خود از آن خارج گردند. جواب این است که خروج در صورتی ممکن نیست که عضویت در آنها الزامی باشد. در حالی که اصل آزادی عمل دولتها یا رضایی بودن معاهدات همان اندازه که مؤید آزادی تصمیم‌گیری در ورود به معاهدات است تأییدکننده امکان خروج نیز هست.

1- Withdrawal Clause

از نظر منطقی درج این قید در معاهداتی که براساس الگوی خلع سلاح استوارند، مشکلات زیادی وجود دارد. چرا که شاید اساساً هم چنین قیودی را نتوان با هدف و مقصود آن معاهدات سازگار دانست. در هر حال، معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای<sup>(۱)</sup> ۱۹۶۸، کنوانسیون سلاحهای بیولوژیک ۱۹۷۲ و کنوانسیون سلاحهای شیمیایی ۱۹۹۳ که نمود بارز فرایند خلع سلاح هستند چنین قیدی را پیش‌بینی کرده‌اند. حتی در متن پیش‌نویس پروتکل الحاقی به کنوانسیون سلاحهای بیولوژیک هم که در سال ۲۰۰۲ به دلیل مخالفت شدید امریکا از دستورکار گروه ویژه تقویت کنوانسیون سلاحهای بیولوژیک خارج شد، نیز همین قید پیش‌بینی شده بود (LEER Conference; 2000).

موضع کره شمالی در قبال خروج از ان.پی.تی و در واقع چالش این کشور با ایالات متحده علاوه بر آثار و پیامدهای سیاسی، استراتژیک و امنیتی، مقوله‌هایی حقوقی را نیز به دنبال داشته‌است که از منظر حقوق بین‌الملل شایان توجه هستند. حق خروج از معاهده، یکی از ترتیبات شناخته شده در حقوق معاهدات و به منزله یکی از موارد اختتام معاهدات بین‌المللی تلقی می‌شود.

خروج از معاهده، فقط در حوزه معاهدات چندجانبه مصداق دارد (هدایت... فلسفی؛ ۱۳۷۹: ۵۶۵) و به روابط دولتهایی که هنوز عضو معاهده هستند، خللی وارد نمی‌کند بلکه صرفاً کشور خارج شونده را از دایره کشورهای متعهد و مستلزم به تعهدات قراردادی مندرج در معاهده موردنظر خارج می‌سازد. قید خروج از معاهده، اشکال و صورتهای مختلفی دارد و انواع مختلفی از آن در اسناد حقوقی بین‌المللی پیش‌بینی شده‌است. یکی از این موارد، خروج به شرط وقوع اوضاع و احوال معین است (Nicholas A. Sims; 1999).

قبل از ورود به مباحث اصلی بیان این نکته اهمیت دارد که هفده معاهده مهم خلع سلاح و کنترل تسلیحات هر کدام به‌طور جداگانه موادی را به امکان خروج دولتها از عضویت در آنها و شرایط آن اختصاص داده‌اند. این هفده معاهده به ترتیب عبارت‌اند از:

#### ۱- معاهده جنوبگان ۱۹۵۹

#### ۲- معاهده منع محدود آزمایشهای هسته‌ای ۱۹۶۳

1- Nuclear Non-Proliferation Treaty (NPT)

- ۳- معاهده ماورای جو ۱۹۶۷
- ۴- معاهده منع استقرار سلاحهای هسته‌ای در امریکای لاتین و کارائیب (تلاتلکو)
- ۵- معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای ۱۹۶۸
- ۶- ماده ۸ کنوانسیون زیر بستر دریاها ۱۹۷۱
- ۷- کنوانسیون سلاحهای بیولوژیک
- ۸- معاهده موشکهای ضدبالستیک ۱۹۷۲
- ۹- معاهده منع آزمایشهای هسته‌ای آستانه ۱۹۷۴
- ۱۰- آزمایشهای هسته‌ای زیرزمینی صلح آمیز ۱۹۷۶
- ۱۱- کنوانسیون حفاظت فیزیکی از موارد هسته‌ای ۱۹۸۰
- ۱۲- معاهده منطقه عاری از سلاحهای هسته‌ای آسیا - اقیانوسیه ۱۹۸۵ (راروتونگا)
- ۱۳- موافقتنامه تخریب و عدم تولید سلاحهای شیمیایی و تسهیل انعقاد کنوانسیون جهانی  
جهانشمول در مورد سلاحهای شیمیایی ۱۹۹۰
- ۱۴- کنوانسیون سلاحهای شیمیایی ۱۹۹۳
- ۱۵- معاهده عاری سازی آسیای جنوب شرقی از سلاح هسته‌ای ۱۹۹۵ (بانکوک)
- ۱۶- معاهده منع جامع آزمایشهای هسته‌ای ۱۹۹۶
- ۱۷- معاهده مناطق عاری سازی افریقا از سلاحهای هسته‌ای ۱۹۹۶ (پلیندبا)

### معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای ۱۹۶۸

این معاهده نخستین سند قراردادی عدم گسترش است. در بند ۱ ماده ۱۰ این معاهده آمده است :

«هر دولت عضو که تشخیص دهد حوادثی غیرعادی مرتبط با موضوع این معاهده رخ داده که منافع عالی آن را در معرض خطر قرار داده است، در اعمال حاکمیت ملی خود حق دارد از معاهده خارج شود. این دولت باید تصمیم خود را سه ماه قبل از خروج، به سایر دولتهای عضو و شورای امنیت سازمان ملل متحد اطلاع دهد. این اطلاعیه باید متضمن بیان حوادث فوق العاده‌ای باشد که

آن دولت آنها را به عنوان به خطراندازنده منافع عالی خود تلقی کرده است.»

در این نوشتار ابتدا منطق قید خروج از معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات را در پرتو ماهیت آنها بررسی خواهیم کرد (بند اول) و سپس به ارزیابی اقدام کره شمالی در خروج از معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای (بند دوم) خواهیم پرداخت.

### بند اول: مبانی تأسیسی قید خروج در معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات

برخی با استناد به اصل حسن نیت و وفای به عهد با نادرست خواندن نفس قید خروج از معاهدات آن را وسیله‌ای می‌دانند که دولت‌های عضو هرگاه از عدم اجرای تعهدات قراردادی خود منفعتی بیشتر از آنچه آن معاهده اعطا می‌کند به دست آورند، حتی به صورت مشروع خواهند توانست از اجرای تعهدات خود شانه خالی کنند  
(North Korea Announces withdrawal from NPT; January 10).

در نگاه اول ممکن است که این ترتیب یعنی قید خروج از معاهده، ابزاری بی‌اساس و حتی تخریب‌کننده اهداف اصلی معاهده به نظر برسد. اما توانایی دولت‌ها به رها شدن مشروع از قید تعهدات خود و استفاده از قید خروج نسبت به تمامی اعضا به صورت یکسان عمل می‌کند و در اثربخشی معاهده تفاوتی میان آنان نمی‌آفریند. این قید مؤید قبول آشکار یک امکان واقعی و تلاشی است برای به حداقل رساندن صدمات تبعی ناشی از بی‌میلی در التزام به معاهده (Alen James; 1973). در تحلیل دقیق این امر باید بدین پرسش پاسخ داد که اهداف حقوقی و سیاسی از پیش‌بینی قید خروج در معاهدات به‌طور اعم و در معاهدات خلع سلاح و عدم گسترش به‌طور اخص، چه هستند؟

تنها دلیل حقوقی که می‌توان برای پدیداری قید خروج جستجو کرد این است که اثر احتمالی و مخرب‌دکترین تغییر بنیادین اوضاع و احوال بر رژیم معاهده را مانع یا به حداقل می‌رساند. در واقع، برای آن که به این دکترین استناد نشود، قید خروج امکانی را برای دولت‌های عضو فراهم می‌سازد تا با انطباق دادن منافع خود با تعهدات معاهده، یا از شمول آن خارج شوند و یا آن که استوار و با رغبت کامل، به تعهدات خود عمل نمایند.

#### ۱- تفاوت تغییر بنیادین اوضاع و احوال با خروج از معاهده

برخلاف تغییر بنیادین اوضاع و احوال، خروج از معاهده منوط به تغییر بنیادین

شرایط زمان انعقاد معاهده نیست. بلکه برای تحقق امکان خروج، سه شرط باید وجود داشته باشد:

- وقوع حالت غیرعادی (که ممکن است تغییر بنیادین اوضاع و احوال باشد)؛
- ارتباط آن وقایع و حالت غیرعادی با مفاد و موضوع معاهده؛
- تأثیر منفی آن وقایع و شرایط بر امنیت ملی یا وقوع تهدیدی علیه امنیت کشور.

جمع شدن سه شرط مذکور، امکان استناد مناسب و صحیح به قید خروج از معاهده را فراهم می‌سازد. از آن جا که جمع شدن هر سه شرط مذکور ضرورت دارد، اصل ثبات و استحکام معاهدات تا حد ممکن رعایت می‌گردد و این قید، حالت استثنایی خود را حفظ می‌کند.

با این حال، ایرادی که بر قید خروج وارد است این که ارزیابی کلی و احراز تحقق سه شرط مذکور، صرفاً حق ممتاز دولت خارج شونده است و هیچ قرینه‌ای در حقوق بین‌الملل (معاهدات یا غیر آن) وجود ندارد که قضاوت این امر را به جامعه بین‌المللی و حتی به جمعی از دولتهای عضو که در این قضیه (یعنی خروج از معاهده) احتمالاً منفعت حقوقی دارند، اعطا نماید.

انتقاد دیگری که بر توجیه حقوقی تکوین نهاد "خروج از معاهده" وارد می‌شود این که برای تغییر بنیادین اوضاع و احوال، مشروعیتی بیشتر از آنچه این دکتین دارد، ایجاد می‌کند و اصل وفای به عهد را که سنگ‌بنای کل حقوق معاهدات است، تضعیف و حتی نقض می‌نماید.

## ۲- مقاصد سیاسی پیش‌بینی قید خروج

قید خروج در معاهدات چندجانبه کنترل تسلیحات (که در معاهدات خلع سلاح، مقبولیت کمتری دارد) دو هدف عمده اساسی (ملی و بین‌المللی) را دنبال می‌کند که در واقع هر دو ترجمان ضرورتی واحد یعنی حفظ امنیت ملی هستند.

در *عرصه بین‌المللی*، این قید روش مشروع و موجهی را فراهم می‌سازد تا دولتها در شرایطی که محیط امنیتی یا وضعیت بین‌المللی به‌ویژه منطقه‌ای را با استمرار این

تعهدات قراردادی غیرقابل جمع می‌بینند، از التزام به آن تعهدات رهایی یابند. اگر هر دولت غیرعضو مثلاً با آزمایش یا کسب سلاح‌های هسته‌ای، فرضیات و تضمینات امنیتی را که براساس آنها یک معاهده خلع سلاح و کنترل تسلیحات منعقد شده به شدت تغییر دهد، دولتهای دیگر که ضریب امنیتی خود را تضعیف شده تشخیص دهند می‌توانند از آن قید استفاده نمایند. اقدام هر دولت عضو در نقض جدی و اساسی معاهده نیز ممکن است چنین اثری داشته باشد. در این خصوص، می‌توان به فسخ به دلیل نقض اساسی معاهده توسط طرف دیگر نیز متوسل شد که ماهیتی مجزا از "خروج" دارد.

در عرصه داخلی، این قید طرفداران یک معاهده در داخل یک دولت را قادر می‌سازد تا ذهن قانونگذاران و برنامه‌ریزان نظامی و سیاسی را که به شدت در قبال خطر منافع عالیه ملی خود حساس هستند، روشن، و رضایت آنان را جلب نمایند. بدون قید خروج (حتی اگر چه در عمل، کمتر بدان استناد شود)، معاهده در مراحل سیاسی پذیرش داخلی با مشکلات اساسی روبه‌رو خواهد شد. به عبارت دیگر، قید خروج، یکی از شاخصهای مهم در جلب حمایت و رضایت نیروهای مسلح هر کشور نسبت به قبول معاهدات کنترل تسلیحات است. عدم پیش‌بینی این قید، ضریب امکان مخالفت نظامیان و نیروهای مسلح با آن معاهده را افزایش می‌دهد و در این صورت، مراحل داخلی پذیرش این معاهده در آن کشور با موانع جدی روبه‌رو خواهد شد و حتی در صورت تصویب داخلی نیز اجرای آن تضعیف خواهد شد.

در هر حال، این کارکرد داخلی وجود قید خروج، مورد پذیرش مجامع قانون‌سازی بین‌المللی است. به عنوان نمونه، به هنگام برگزاری مذاکرات معاهده منع جامع آزمایشهای هسته‌ای در ژنو، عقیده عمومی شرکت‌کنندگان این بود که تفسیر ملی منافع عالیه هر دولت عضو توسط خود آن دولت (رویکرد خودتفسیری) به عنوان شبکه‌ای امنیتی و اطمینان‌ساز عمل می‌کند و چالشهای نظامی یا تضمینات مجدد را در طول مباحث تصویب داخلی آن مرتفع می‌سازد. در عمل، طرح این انگیزه‌ها برای خروج از معاهدات بین‌المللی عدم گسترش و کنترل تسلیحات که مورد حمایت گسترده بین‌المللی قرار دارند، (عمدتاً از نظر سیاسی) بسیار دشوار است. با این حال، در طول مذاکرات

مذکور دولتها چگونگی استفاده از قید و شرایط استناد به آن را صرفاً تابع نظر خود دانسته‌اند (هدایت... فلسفی؛ پیشین؛ ۵۷۰) که به نظر می‌رسد این امر را می‌توان احاله بین‌المللی این موضوع به اصل بنیادین "حاکمیت دولتها" تلقی نمود.

### ۳- مبنای حقوقی پدیداری قید خروج

به نظر می‌رسد که توجیه تکوین این نهاد بر پایه اصل حاکمیت دولتها استوار است. حاکمیت دولتها بدین معناست که دولتها به‌ویژه در تعیین سرنوشت سیاسی خود مستقل از اراده‌های خارجی عمل خواهند کرد و این استقلال در اراده و تصمیم‌گیری، حق بنیادین و غیرقابل سلب آنان است که امروزه در میان سایر موازین حقوق بین‌الملل اهمیتی بسان یک قاعده آمره یافته است. این اصل با وصف "برابری دولتها" همراه بوده و بدین ترتیب اصل "برابری حاکمیت دولتها"<sup>(۱)</sup> از مجموع آن، شکل گرفته است. این اصل آثار متعددی دارد که برابری در حقوق و تکالیف از مهم‌ترین آنهاست. این اصل در عرصه ساخت و پرداخت معاهدات و شکل‌گیری و پذیرش موازین قراردادی بدین‌گونه جلوه‌گر می‌شود که دولتها حق دارند آزادانه و بر مبنای صلاحدید خود (یعنی هرگاه منافع ملی اقتضا کرد) وارد این عرصه شوند و هرگاه بر مبنای همان اهداف و منافع، ضروری تشخیص دادند، بر اساس ماهیت یک‌طرفه و یک‌جانبه ورود به معاهدات، از آن خارج شوند. این امر اقتضای اطلاق (و حتی ذات) حاکمیت دولت است و تا زمانی که رضایت خود آن دولت بر سلب حق خروج تعلق نگرفته است (به‌ویژه تا هنگامی که یک قاعده حقوقی در سلب این حق به صورت موردی یا عام شکل نگرفته است)، خروج از معاهده جلوه بارز و برجسته اعمال حق حاکمیت دولتهاست. در تأیید این امر به چند نکته باید توجه داشت: اولاً در معاهدات خلع سلاحی هم استفاده از قید خروج به مواردی محدود شده است که اجرای آن معاهدات خطری علیه منافع عالی دولت مورد نظر (یعنی همان حاکمیت دولت) پدید آورد. ثانیاً در ظاهر تشخیص

1- *Equal Sovereignty of States*



وقوع خطر و چپستی منافع عالی، حق دولت موردنظر است. حاکمیت دولت مفهومی عام و درعین حال نسبی است که مصادیق آن برحسب هر دولت متفاوت است. از این رو، انحصار قدرت تشخیص عناصر استعمال این حق به خود دولت موردنظر، نتیجه غیرقابل اجتناب همین حاکمیت دولتهاست. افزون بر آن هیچ قاعده‌ای در حقوق بین‌الملل وجود ندارد که خروج را منوط به تشخیص یک مرجع بین‌المللی یا سایر دولتهای عضو معاهده نماید مگر آن که خود دولتها "بر مبنای نوعی خود محدودسازی ارادی" چنین چیزی را بپذیرند (همان؛ ۵۷۰).

باین حال، این وضع خالی از ایراد نیست. حاکمیت دولت دیگر اطلاق ندارد و محدود به رعایت مصالحی جمعی است که در بستر تحولات و مقتضیات جامعه بین‌المللی و در قالب موازین حقوقی شکل گرفته است. عضویت دولت در معاهده‌ای دو یا چند جانبه موجب می‌شود که این انحصار ناشی از مفهوم حاکمیت دولت، از رهگذر به وسیله مقتضیات جمعی تعدیل شوند. در گردونه معاهدات، حقوق و تکالیفی جمعی پدید می‌آید که کاربرد یک‌جانبه‌گرایی را استثنایی و خلاف اصل می‌سازد. پس، لازم است که قید خروج یا در معاهدات پیش‌بینی نشود و یا آن که روش اعمال آن تحت نظارت بین‌المللی (سازمان یافته و یا گروهی دولتهای عضو) قرار گیرد. ظاهراً شورای امنیت در سال ۱۹۹۴ در موضع‌گیری نسبت به قصد کره شمالی در خروج از معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای، در همین راستا و بر مبنای تصریح آن معاهده به ذی‌نفع بودن شورا درخصوص موارد خروج از آن معاهده اشاره کرده است.\* به همین دلیل ماده ۵۶ کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات ضمن گذار از آثار نظری اصل حاکمیت دولتها، آن را با بین‌المللی بودن معاهدات پیوند داده و چنین مقرر نموده است:

«معاهده‌ای که ... خروج در آن پیش‌بینی نشده باشد ... نمی‌توان از آن خارج

شد مگر آن که :

\* به عبارت دیگر، این که در این معاهده پیش‌بینی شده که مراتب خروج باید به شورا گزارش شود و استدلال دولت ذی‌ربط درخصوص خروج باید شرح داده و ضمیمه اعلامیه خروج باشد بدان معناست که شورا در این مورد حقوقی دارد که همان حق و مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی براساس منشور ملل متحده (ماده ۲۴) است.

الف - ثابت شود که دولتهای عضو بر ... خروج از آن قاصد بوده‌اند.  
ب - حق ... خروج از آن از طبیعت معاهده استنباط گردد.

#### ۴- تحول شاخصهای تحقق قید خروج

با مبنا قرار دادن معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای ۱۹۶۸ می‌توان دو دوره قبل و بعد از این معاهده را به عنوان دو مرحله متفاوت در تحول تاریخی نظام حقوقی خروج از طریق قید تلقی نمود. قبل از انعقاد این معاهده، اغلب معاهدات از جمله معاهده جنوبگان و منع محدود آزمایشهای هسته‌ای برای احراز شرایط استناد به قید مذکور، بر مبنای ذهنی استوار بودند. به این ترتیب که دست دولتهای طرف معاهده در ارزیابی این که چه وقایع غیرعادی در اثر اجرای معاهده رخ داده که منافع عالیه آنها را به خطر انداخته است، بسیار باز گذاشته بود بدون آن که در این رابطه دولتهای عضو یا نهادهای بین‌المللی ذی‌ربط به عنوان واسط امکان نظارت (حتی در حد اطلاع) داشته باشند. در این معاهده صرفاً مقرر شده بود که مراتب به سایر اعضا اطلاع داده شود. در تحلیل این ذهنی‌گرایی شاخص ارزیابی تحقق خروج آمده که «چنانچه در معاهده‌ای خروج تابع اوضاع و احوالی معین شده ولی ارزیابی آن اوضاع و احوال برعهده طرف ذی‌نفع باشد، نمی‌توان گفت محدودیتی برای خروج از آن به وجود آمده است.» (همان؛ ۵۶۵)، بلکه تأکیدی دیگرگونه بر اصل حاکمیت دولتها در پیوستن به معاهدات و خروج از التزام به تعهدات آن می‌باشد.

معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای، خالق تحول در این خصوص است، برای آن که حاکمیت دولتها و آزادی عمل آنان در تشخیص عناصر خروج مطلق نباشد، «تصمیم به خروج از معاهده را مبتنی بر مبنایی عینی کرده است». یعنی باید به دولتهای عضو و احتمالاً مراجع بین‌المللی ذی‌صلاح (به‌ویژه شورای امنیت) اعلام شود که چگونه این وقایع غیرعادی منافع عالیه آنها را به خطر انداخته است (یا ممکن است به خطر اندازد). این رویکرد از آن پس در فرایند قراردادی کنترل تسلیحات و خلع سلاح استمرار یافته است. بنابراین در این خصوص، تحولی در حقوق بین‌الملل صورت گرفته و این گونه خروج

به "خروج از طریق پیش‌آگهی" تبدیل شده‌است. برای آن که محدودیت خروج از معاهده به جد گرفته شود، معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای (۱۹۶۸) تصمیم به خروج از معاهده را مبتنی بر مبنایی عینی کرده است تا هیچ‌یک از طرفهای معاهده نتوانند به بهانه حدوث "وقایع غیرعادی" از قلمرو قراردادی خارج شوند (همان؛ ۵۶۸). طرف این اعلام، همه دولتهای عضو ان.پی.تی و هم‌چنین شورای امنیت سازمان ملل متحد است. با وجود این که ترتیب "پیش‌آگهی" در معاهده ان.پی.تی به وضعیت معاهده ۱۹۶۳ افزوده شده‌است ولی ظاهر ترتیب مذکور چنین نیست که حق ارزیابی وقایع غیرعادی از سوی دولت ذی‌نفع، به ارزیابی جمعی اعضا یا مراجعی دیگر تبدیل شده‌باشد.

به عبارت دیگر، قید "حاکمیت ملی دولتها" یا "منافع عالیه کشورها" با رسیدگی مخاطبان آگهی و اطلاع از خروج، مطابقت ندارد. بلکه به عکس، ماهیت اطلاعی این "پیش‌آگهی" مقتضی آن است که خود دولت ذی‌ربط به ارزیابی "حوادث غیرعادی" و "به مخاطره افتادن منافع عالیه" خود بپردازد. اما در این صورت، اعلام پیش‌آگهی چه معنایی دارد؟ به نظر می‌رسد که اثر چنین امری اطلاع سایر اعضا از انقطاع رابطه قراردادی و هم‌چنین جلب توجه شورای امنیت به انجام مسئولیتهای اصلی خود در قبال حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. ضمن آن که عینی شدن شاخص ارزیابی تحقق قید خروج، دولتها را موظف می‌سازد که در این اقدام خود براساس "حسن نیت" عمل کنند و صرفاً به مسائل ذهنی و غیرعینی برای خروج اکتفا ننمایند.

##### ۵- تدابیر شکل‌ناظر بر اعمال قید خروج

هدف غیرقابل تردید از پیش‌بینی خروج از معاهده به صورت "قید" و از طریق آیین پیش‌آگهی، تضمین آگاهی مناسب و مشروح تمامی طرفهای معاهده از مآل وقوع است. اغلب قریب به اتفاق معاهدات مذکور خروج را منوط به اعلام آن ظرف مدت زمانی معین قبل از خروج دانسته‌اند. در معاهده ۱۹۶۳ منع محدود آزمایشهای هسته‌ای بدین منظور اخطار قبلی سه ماهه پیش‌بینی شده‌بود که در معاهدات بعدی همانند معاهده منع جامع آزمایشهای هسته‌ای و حتی پیش‌نویس پروتکل الحاقی به کنوانسیون سلاحهای بیولوژیک (Article XV Nicholas A. Sims; 1990)، به دو برابر یعنی شش ماه افزایش

یافته‌است. در کنوانسیون سلاحهای شیمیایی و معاهدات مناطق عاری از سلاحهای هسته‌ای و ماورای جو این مدت به ترتیب، ۹ و ۱۲ ماه مقرر شده‌است.\*  
 علاوه بر این آیین پیش آگهی، ابلاغ قصد خروج از تشریفاتی معین تبعیت می‌کند. «خروج باید کتبی باشد و سند کتبی آن به طرف مقابل یا سایر طرفهای معاهده، امین اسناد و حتی ارکانی از سازمانهای بین‌المللی رسماً ابلاغ گردد.» (همان: ۵۶۸) گرچه تبعیت معاهدات از اصل فرمالیسم یا صورت حقوقی می‌طلبد که ابلاغ به صورت کتبی باشد اما در لزوم کتبی بودن در حوزه معاهدات کنترل تسلیحات تردید وجود دارد. چرا که هیچ‌یک از این معاهدات چنین امری را الزامی ندانسته‌اند بلکه صرفاً تأکید شده که سایر اعضا مطلع شوند. بنابراین می‌توان گفت که اعلام قصد خروج کره شمالی از طریق رسانه‌های گروهی برای اعمال ماده ۱۰ معاهده ۱۹۶۸ (از حیث مطلع کردن سایر دولتهای عضو) کافی بوده‌است.

### بند دوم: تأملی بر خروج کره شمالی از معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای

در ۱۰ ژانویه ۲۰۰۳ کره شمالی اعلام کرد که بلافاصله از معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای خارج شده و خروج از معاهده مذکور، این کشور را از قید تعهدات الزام‌آور آن معاهده و هم‌چنین موافقتنامه پادمان<sup>(۱)</sup> آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که ناظر بر نحوه بر نظارت این آژانس بر فعالیتهای هسته‌ای صلح‌آمیز این کشور است، رها ساخته است.

#### ۱- موضع کره شمالی و توجیه دلایل خروج

رویارویی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و کره شمالی به‌ویژه درخواست انجام

\* در معاهده جنوبگان این مدت دوسال مقرر شده‌است. این مدت بسیار طولانی را با این نکته می‌توان توجیه کرد که مبنای قید خروج در این معاهده خطرات ناشی از اجرای معاهده برای منافع عالی دولت‌های عضو نیست. در غیر این صورت، نمی‌توان احترام به فرمالیسم حقوقی را بر رفع مخاطرات اجرای یک معاهده بر امنیت و منافع عالی یک دولت عضو برتری داد.

1- Safeguard Agreements

بازرسی ویژه از این کشور، تعهدات قراردادی کره شمالی درخصوص پادمان عدم گسترش را در وضعیت خاصی قرار داد. در این وضعیت، این کشور با انتخاب شدیدترین گزینه، خروج از رژیم عدم گسترش و در نتیجه رهایی از قید نظام پادمان را اختیار کرد. اعلامیه مورخ ۱۰ ژانویه ۲۰۰۳ کره شمالی درخصوص خروج از معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای به صورت مختصر چنین است:

«از آن جا که یکبار دیگر روشن شده که ایالات متحده مصرانه در پی آن است که به هر قیمتی که شده جمهوری دموکراتیک خلق کره را با مشکل روبه‌رو سازد و از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان ابزاری برای اعمال سیاست خصمانه در قبال جمهوری دموکراتیک خلق کره استفاده می‌کند، ما دیگر نمی‌توانیم به معاهده ان.پی.تی. متعهد باقی بمانیم و اجازه دهیم که امنیت کشور و حیثیت ملتمان خدشه‌دار گردد. در این شرایط حاد که منافع عالی کشورمان به صورت بسیار جدی تهدید شده‌است، دولت جمهوری دموکراتیک خلق کره برای حمایت از حاکمیت کشور و ملت و حق بقا و حیثیت خود، تصمیمات زیر را اتخاذ می‌نماید:

- اولاً دولت جمهوری دموکراتیک خلق کره که براساس اعلامیه مشترک جمهوری دموکراتیک خلق کره - ایالات متحده «به صورت یک‌جانبه مهلتی قانونی را تا زمانی که لازم بداند [برای توقف خروج خود از معاهده] اعلام نمود»، هم‌اکنون که ایالات متحده به صورت یک‌جانبه، به الزامات خود در خصوص توقف تهدید هسته‌ای و انصراف از دشمنی با کره شمالی پشت‌پا زده‌است، به موجب همان اعلامیه، اثر خودبه‌خود و فوری خروج خود از ان.پی.تی. را اعلام می‌دارد.

- ثانیاً اعلام می‌دارد که جمهوری دموکراتیک خلق کره ضمن خروج از ان.پی.تی، از الزام‌آور بودن موافقتنامه‌های پادمان مندرج در ماده ۳ با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، کاملاً مبرا می‌شود.

خروج از ان.پی.تی. تدبیری مشروع در مقام دفاع از خود است که در برابر اقدام ایالات متحده جهت محدود کردن جمهوری دموکراتیک خلق کره و رفتار

غیرمعمول آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به پیروی از ایالات متحده اتخاذ کرده است. اگرچه ما از ان.پی.تی. خارج می‌شویم لکن قصد تولید سلاحهای هسته‌ای را نداریم و اقدامات هسته‌ای ما در این مرحله تنها محدود به مقاصد صلح‌آمیز نظیر تولید نیروی برق خواهد بود.

اگر ایالات متحده از سیاست خصمانه خود برای مقابله با جمهوری دموکراتیک خلق کره دست بردارد و تهدید هسته‌ای خود نسبت به آن را متوقف نماید، جمهوری دموکراتیک خلق کره ممکن است از طریق یک بازرسی و تأیید مجزا بین این کشور و ایالات متحده ثابت کند که هیچ‌گونه سلاح هسته‌ای تولید نمی‌کند. ایالات متحده و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با بی‌توجهی به تلاشهای اخیر کره برای جستجوی حل مسالمت‌آمیز این مسئله هسته‌ای از طریق مذاکره، از مسئولیتهای خود برای واداشتن کره به خروج از ان.پی.تی. میز نیستند (N. Korea quits nuclear treaty"; <http://news.bbc.co.uk...>)

## ۲- واکنشهای بین‌المللی در قبال خروج کره

بلافاصله پس از اعلامیه کره شمالی، دولتها و مراجع بین‌المللی به شدت در برابر این اقدام به مخالفت پرداختند و حتی برخی آن را محکوم کردند و موجب تهدید صلح و امنیت بین‌المللی دانستند. قبل از بیان مواردی از این واکنشها، شایان ذکر است که به جز فرانسه هیچ یک طرح موضوع در شورای امنیت را خواستار نشده‌اند و تاکنون نیز به رغم آن که شورا جلساتی پیرامون بحران هسته‌ای کره تشکیل داده، قطعنامه‌ای خواه بر اساس فصل شش یا هفت منشور علیه این کشور صادر نکرده‌است که این امر درخور توجه است و طرح این سؤال را موجب می‌شود که اگر عدم گسترش حالت عرفی پیدا کرده‌است، چگونه گذار از قبول این نظام با سکوت رکن بین‌المللی مسئول اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی (شورای امنیت) مواجه می‌شود.

### سخنگوی دبیرکل ملل متحد

دبیرکل از اعلامیه دولت جمهوری دموکراتیک خلق کره درباره خروج از معاهده منع

گسترش سلاحهای هسته‌ای ابراز تأسف می‌کند و بررسی مجدد این تصمیم را قویاً خواستار است. معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای، سنگ بنای رژیم عدم گسترش هسته‌ای و خلع سلاح است و با ۱۸۸ دولت عضو، گسترده‌ترین معاهده چندجانبه در این حوزه است. در طول ۳۳ سال پس از لازم‌الاجرا شدن این معاهده، هیچ یک از دولتهای عضو از آن خارج نشده‌اند. با این که کره قصد خود برای اکتساب سلاحهای هسته‌ای را منکر می‌شود، دبیرکل بر اهمیت الحاق به معاهدات و تعهدات حقوقی آنها در راستای حصول صلح و امنیت بین‌المللی براساس حقوق بین‌الملل تأکید می‌ورزد. وی این فرصت را مغتنم می‌شمارد و مجدداً تأکید می‌کند که مسائل مرتبط با برنامه هسته‌ای کره شمالی باید از طریق گفتگوی صلح‌آمیز حل و فصل گردد (Kofi Annan; <http://www.un.org>).

#### موضع آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

تصمیم کره شمالی مبنی بر خروج از معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای «استمرار سیاست ترمرد و نقطه مقابل تلاشهای کنونی برای تحقق صلح و ثبات در شبه جزیره کره» است. ان.پی.تی با ۱۸۸ دولت عضو، سنگ بنای تلاشهای بین‌المللی کنونی برای کنترل گسترش سلاحهای هسته‌ای است. ایجاد چالش در قبال آن معاهده ممکن است موجب تحقق تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی باشد. قویاً از کره شمالی می‌خواهم تصمیم خود را مسترد نماید و به جای آن، راه‌حل دیپلماتیک را در پی بگیرد. این تنها راه در پیش‌رو برای رویارویی با امنیت کره شمالی و سایر نگرانی‌هاست. براساس ماده ۱۰ ان.پی.تی. تصمیم به خروج تنها پس از گذشت سه ماه، نافذ خواهد شد (IAEA Director General Calls on North Korea ...; PR2003/01).

#### موضع ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده به کرات در برابر این اقدام موضع‌گیری کرده‌است (Phillip C. Saunders). وزیر امور خارجه آمریکا در این خصوص این‌گونه موضع گرفته‌است: «ایالات متحده آمریکا این اقدام را محکوم می‌کند و از آن بسیار بسیار متأسف است ... ما در جستجوی راه‌حل خواهیم بود. اما این راه‌حل برای مشکلی است که کره شمالی ایجاد کرده‌است و نه جامعه بین‌المللی و نه ایالات متحده. این اقدام نه تنها قصور از انجام تعهدات بین‌المللی

بلکه خودداری از ایفای تعهداتی است که در موافقتنامه بین کره شمالی و ایالات متحده پیش‌بینی شده است. ما نه تنها به نمایندگی از ملت امریکا بلکه از طرف همه مردم دنیا در جستجوی راه‌حلی صلح‌آمیز خواهیم بود. معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای، یک معاهده مهم بین‌المللی است و این نوع بی‌توجهی به آن را نمی‌توان بدون پاسخ گذاشت.»

(Collin L. Powell & IAEA Director General Dr. Mohamed Elbaradei; January 10)

معاون وزیر امور خارجه در امور خلع سلاح و امنیت بین‌المللی نیز در این خصوص گفت: «این امر هرگز غیرقابل انتظار نبود. کره شمالی در حالی که عضو این معاهده هم بود، هرگز بدان پای‌بندی نشان نداد و حرف و عمل این دولت یکی نبود.»

(BBC News Online; January 10)

### موضع دولت چین

خلاصه نطق وزیر امور خارجه این کشور چنین است: «ما احساس نگرانی می‌کنیم. این معاهده از اهمیتی وافر برای جلوگیری از گسترش سلاحهای هسته‌ای و تقویت صلح و امنیت بین‌المللی برخوردار است. امیدواریم که جهانشمولی این معاهده تحقق یابد و تا حل مسالمت‌آمیز مسئله هسته‌ای کره شمالی، ادامه پیدا کند.»

روشن است که موضع چین بسیار سطحی است و هرگز اقدام کره را نادرست تلقی نکرده است. طبیعی است که اتحاد سیاسی و ایدئولوژیک این دو کشور هم اقتضایی جز این نداشت. چین یکی از حامیان اصلی کره شمالی است که احتمالاً هرگونه تصمیم شورای امنیت علیه این کشور را نیز وتو خواهد کرد.

### رئیس‌جمهور کره جنوبی

خروج کره شمالی از معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای، وضعیت شبه‌جزیره کره را یک مرحله وخیم‌تر کرد. اما در عین حال، ایالات متحده در پی تلاشهای ما اکنون در حال گفتگو با کره شمالی است. ما باید شبه‌جزیره کره را از سلاح هسته‌ای عاری نماییم. بدین منظور، ما در حصول راه‌حلی مسالمت‌آمیز، مصر خواهیم ماند (Ibid).



**وزیر امور خارجه فرانسه**

موضع فرانسه اگرچه به صورت مکرر بیان نشده است ولی تفاوت چندانی با شدت مواضع امریکا ندارد. وزیر امور خارجه این کشور در این خصوص اعلام کرد که: «فرانسه این تصمیم را محکوم می‌کند و استمرار تلاشهای دو جانبه، منطقه‌ای و چندجانبه را ضروری می‌داند. این تصمیمی جدی است که پیامدهای سنگینی خواهد داشت. از این رو، شورای امنیت سازمان ملل متحد باید آن را بررسی کند. این تحول عمده، ضرورت و فوریت تحرک بین‌المللی را نمایان می‌سازد (Ibid).

**وزیر امور خارجه روسیه**

بر اساس بیانیه زیر امور خارجه روسیه، «اعلام رسمی قصد کره شمالی مبنی بر خروج از معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای، در مسکو نگرانی عمیقی ایجاد کرده است. شکی نیست که این اقدام به بحرانی شدن اوضاع شبه جزیره کره و ایراد صدمه جدی بر اسناد حقوق بین‌المللی جهانشمول در عرصه تضمین امنیت جهانی و منطقه‌ای خواهد انجامید. امیدواریم که پیونگ یانگ به عقیده جامعه جهانی و همسایگان و شرکای خود گوش دهد و گزینه‌ای در راستای اجرای تعهدات مسلم بین‌المللی در حوزه عدم گسترش برگزیند.» (Russian Foreign Ministry Statement; 36-10-01-2003; January 10)

**وزیر امور خارجه انگلستان**

وی اظهار داشت: ما قصد اعلام شده کره شمالی مبنی بر خروج از این معاهده را محکوم می‌کنیم. چنین کاری اگر انجام گیرد، تنها منزوی شدن کره شمالی در جامعه بین‌المللی را به دنبال خواهد داشت ... از رهبر کره شمالی می‌خواهم که مسیر را عوض کند. ان.پی.تی سنگ بنای رژیم عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای است که تقریباً از سوی تمامی کشورها در جهان مورد حمایت قرار گرفته است. از این رو، اقدام کره شمالی یک نگرانی عمیق برای کل جامعه بین‌المللی است (http://www.fc.gov.uk.; January 10).

**۳- تحلیل حقوقی اقدام و استدلال کره شمالی**

کره شمالی در سال ۱۹۸۵ به عنوان کشوری غیرهسته‌ای<sup>(۱)</sup>، به عضویت معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای در آمد. ماده ۳ این معاهده مقرر می‌دارد که هر دولت غیرهسته‌ای نظارت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را براساس موافقتنامه‌هایی خاص با آن آژانس پذیرا خواهد شد تا پای‌بندی به تعهدات مندرج در ماده ۲ یعنی خودداری از تولید یا اکتساب مواد منفجره هسته‌ای را مورد بازرسی و تأیید یا راستی‌آزمایی قرار دهد (جمشید ممتاز؛ ۱۳۷۵).

در سال ۱۹۹۲، کره شمالی موافقتنامه پادمان خود با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را براساس ماده ۳ ان.پی.تی منعقد کرد. موافقتنامه پادمان، ارزیابی و نظارت پادمان آژانس بر مواد و تأسیسات هسته‌ای کره شمالی را پیش‌بینی نمود. ماده ۲۶ این موافقتنامه مقرر می‌دارد:

*این موافقتنامه تا زمانی که جمهوری دموکراتیک خلق کره، عضو ان.پی.تی است، لازم‌الاجرا باقی خواهد ماند.*

در نتیجه، اگر کره شمالی براساس اعلامیه ژانویه ۲۰۰۳ به صورت معتبر از آن معاهده خارج شده باشد، موافقتنامه پادمان دیگر لازم‌الاجرا نیست و مبنایی حقوقی برای استمرار نظارت‌های آژانس بر برنامه هسته‌ای این کشور باقی نخواهد ماند. کره شمالی قبلاً یعنی در سال ۱۹۹۴ نیز قصد خود مبنی بر خروج از معاهده را مطرح کرد ولی چون این امر به خروج نینجامید، بر موافقتنامه پادمان تأثیری نگذاشت (همان).

کره شمالی دلایل خروج خود از ان.پی.تی را "تهدید امنیت کره شمالی به دلیل سیاستهای خصمانه ایالات متحده" اعلام کرده است. به گفته این دولت ایالات متحده کره شمالی را به عنوان هدف ویژه حمله هسته‌ای پیش‌دستانه برگزیده و با محاصره و تحریم نظامی، حاکمیت و منافع عالیه این دولت را تهدید کرده است (Phillip C. Saunders; January 14; 2003). یک نظر در نقد این استدلال آن است که مسئله حق کره شمالی در خروج از معاهده ان.پی.تی براساس ماده ۱۰ فوق، ارتباطی به صحت و سقم ادعاهای

1- Non-Nuclear Weapon State

این دولت در خصوص قصد یا سیاست‌های ایالات متحده ندارد بلکه ماده ۱۰ به هر دولت عضو اجازه می‌دهد رأساً تشخیص دهد که آیا حوادث فوق‌العاده در رابطه با موضوع این معاهده رخ داده است که منافع عالی‌ه وی را در معرض خطر قرار دهد یا خیر. با این حال، تنها نکته قابل توجه در این مورد آن است که حقوق بین‌الملل عرفی در خصوص این اقدام یعنی تشخیص وقوع حوادث غیرعادی و فوق‌العاده تهدیدکننده منافع عالی‌ه کشورها، شرط "حسن نیت"<sup>(۱)</sup> دولت موردنظر را ضروری دانسته است.

اگر کره شمالی صرفاً بر اساس ماده ۱۰ ان.پی.تی برای وجود حق خروج و کناره‌گیری خویش استناد کند (و به اصول کلی حقوق معاهدات پیرامون اختتام تعهدات قراردادی در شرایطی معین متوسل نشود)، شرط ابلاغ و اطلاع سه ماه قبل از خروج را که در ماده مذکور تصریح شده رعایت نکرده است. ولی آیا عدم رعایت این شرط شکلی تأثیری بر ماهیت و اثر خروج دارد؟ پروفیسور کرچیس می‌گوید که عدم پای‌بندی به شرط ابلاغ و اطلاع ضرورتاً بدان معنا نیست که خروج از ان.پی.تی، نامشروع و غیرمعتبر است. این شرط، تعهد مستقلی به اطلاع سه ماه قبل از خروج است و نه شرطی که اثر خروج بر اختتام اجرای معاهده، منوط به انجام آن باشد یا تنها پس از انجام آن، خروج از معاهده نافذ گردد (Frederic L. Kirgis; Jan. 2003).

به نظر می‌رسد که خروج تنها پس از انقضای مدت سه‌ماهه مذکور نافذ خواهد بود. بنابراین این که کره شمالی اعلام کرده که خروج بلافاصله نافذ است، خلاف نص ماده ۱۰ است و از این رو، این موضع کره نمی‌تواند اثر خروج را برخلاف ماده فوق فوریت بخشد و از طرف دیگر، هر دولتی که از عدم رعایت اخطار سه‌ماهه زیانی احساس کند، حق خواهد داشت تا (براساس این قاعده که هرگونه تخلف از حقوق بین‌الملل، موجب مسئولیت بین‌المللی مدنی خواهد شد) از کره شمالی جبران خسارت بخواهد (البته تاکنون چنین امری تحقق نیافته است).

نکته دیگر، نقش شورای امنیت است. حتی اگر خروج کره دقیقاً براساس مفاد ماده ۱۰ باشد، شورای امنیت می‌تواند خروج کره شمالی را به همراه قصد این کشور مبنی بر انجام

1- Good Faith

آزمایش موشکی، فرآوری مجدد سوخت هسته‌ای، و فعال کردن دوباره تأسیسات هسته‌ای خود و هم‌چنین اخراج بازرسان آژانس، به عنوان تهدیدی علیه صلح تلقی نماید. برمبنای تفسیری که امروزه عملاً از صلاحیت شورای امنیت می‌شود (رویکرد واقع‌گرایی)، این شورا می‌تواند رأساً و یا متعاقب ارجاع هیأت حکام آژانس مبنی بر عدم پای‌بندی کره شمالی به تعهدات مندرج در موافقتنامه پادمان، چنین تصمیمی را اتخاذ نماید. شورای امنیت در مقام اقدام بر اساس فصل هفتم منشور می‌تواند تحریمهای الزام‌آور اقتصادی، دیپلماتیک یا حتی نظامی بر کره شمالی اعمال نماید. اما به نظر می‌رسد که در اعمال این اختیارات، هرگونه قطعنامه پیشنهادی درمورد تحمیل این تحریمها احتمالاً مورد وتوی برخی اعضای دائم شورا (چین یا روسیه) قرار خواهد گرفت.

### نتیجه‌گیری

معاهدات کنترل تسلیحات در پی آن هستند که یک سلسله روابط سیاسی - نظامی، جهانی یا منطقه‌ای، چندجانبه یا دوجانبه سلسله‌مراتبی را پایدار نگه دارند. تدابیر تحدید یا منع آزمایش، تولید، اکتساب یا کاربرد تسلیحات از جمله آنها هستند اما ضرورتاً به تحدید سطح تسلیحات موجود بسنده نمی‌کنند. از طرف دیگر، خلع سلاح حداقل از کاهش سطح تسلیحات و کاهش یک‌نوع یا انواعی از سلاحها تا حد صفر اطلاق می‌شود. کنوانسیون سلاحهای بیولوژیک ۱۹۷۲ و سلاحهای شیمیایی ۱۹۹۳ در پی جلوگیری از گسترش و تعمیم سلاحهای ممنوعه به اکتساب کنندگان جدید نیستند بلکه انهدام سلاحهای مذکور از سوی دولتهایی که قبلاً دارای آنها شده‌اند، ضروری می‌دانند. در هر حال، حذف و انهدام سلاحهای موجود، اساس خلع سلاح است (*"First Committee Report"; Nov. 1996*).

خلع سلاح در معنای دقیق آن به فرایندی اطلاق می‌شود که در نهایت به امحای کامل تمام یا یک دسته خاص از تسلیحات می‌انجامد (*Elliot and Reginald; 1989; 272*) و کنترل تسلیحات در معنای مضیق و سستی آن ناظر بر تحدید کمی یا کیفی برخی از انواع تسلیحات است (*Ibid*). این دو، واژگانی قدیمی در ادبیات حقوق و روابط بین‌الملل هستند که در کل، به «مذاکره پیرامون تسلیحات نظامی به منظور کاهش آنها تا حد صفر یا

حداقل تا سطوح بسیار پایین (Kim S. Carter; 1998; 4) یا انهدام و هم‌چنین تحدید یا کاهش روشهای اقدام دولتها به جنگ» (R. Mathews and t. McCormack; 1999; 74) اطلاق می‌شوند. در معاهدات خلع سلاح، درک دلیل پیش‌بینی قید خروج چندان ساده نیست. حذف کامل ذخایر موجود و منع مطلق تولید آنها در آینده، کارکرد اول و آخر فرایند خلع سلاح و هدف اجتماع دولتهای عضو آن است و اعضای آن جامعه نمی‌توانند با خروج از معاهده، حق کسب سلاح شیمیایی یا بیولوژیک و هسته‌ای را برای خود محفوظ بدارند. با این حال، خروج از معاهده الزاماً به معنای تمایل به انجام اقداماتی مغایر با روح و هدف آن معاهده نیست. مگر آن که دولت خارج شونده رسماً مقصود از خروج را دست‌یابی به سلاحهای ممنوعه اعلام نماید.

مشکل اینجاست که دولتها به ندرت تفکیک آکادمیک بین کنترل تسلیحات و خلع سلاح را مورد پذیرش قرار داده‌اند و تمایلی ندارند تا تفاوت منطقی آن دو را بپذیرند. حتی به هنگام تدوین کنوانسیون سلاحهای بیولوژیک به عنوان نخستین معاهده خلع سلاح جهانشمول، باز هم قید خروج در آن پیش‌بینی شد. در کنوانسیون انمود ۱۹۷۲ که مربوط به حوزه کنترل تسلیحات است و نه خلع سلاح، در واکنش نسبت به این امر، نامحدود بودن گستره زمانی آن معاهده بدون اشاره به امکان خروج مقرر گردید. در مذاکرات کنوانسیون سلاحهای شیمیایی هم که ناظر بر خلع سلاح است، با وجود درک لزوم عدم تکرار رویه کنوانسیون بیولوژیک، با هم قید خروج پیش‌بینی گردید (Nicholas Sims; 1971) و این امر در طول ۲۱ سال مذاکره در مورد تدوین این کنوانسیون (Ibid) حتی مورد کمترین چالش هم واقع نشد.\*

بنابراین، کنوانسیونهای ۱۹۷۲ و ۱۹۹۳، تنها معاهدات خلع سلاحی چندجانبه هستند

\* در کنوانسیون سلاحهای بیولوژیک، پیش‌بینی برگزاری منظم و کنفرانسهای پنج‌ساله بازنگری، تعمیم تعهدات بین‌المللی به قوانین داخلی و پیش‌بینی سازمان منع سلاحهای بیولوژیک در پیش‌نویس پروتکل الحاقی آن، رژیم اجرای دائمی خلع سلاح بیولوژیک را تشکیل می‌دهند. در مورد کنوانسیون سلاحهای شیمیایی نیز همین وضع صادق است. در این صورت، پذیرش قید خروج در این دو کنوانسیون خلع سلاحی، رژیم اجرای دائمی و نامحدود آنها را با چالش و سؤال جدی روبه‌رو می‌سازد.

و این کنوانسیونها به دلیل پیش‌بینی قید خروج با منطق نهفته در ذات و مفهوم خلع سلاح تعارض دارند و حتی با مفهوم خلع سلاح عمومی و کامل هم منافات دارند. تنها کارکرد این قید، جلب حمایت دولتها به عضویت در آنها و رعایت حداقل بسترهای حاکمیت ملی بوده‌است. در ابتکاراتی که از سوی سازمانهای غیردولتی به نام "کنوانسیون مدل در مورد سلاحهای هسته‌ای"<sup>(۱)</sup> صورت گرفته نیز صراحتاً قید خروج پیش‌بینی شده‌است (بند ۵ ماده ۱۸). در توجیه آنها در زمینه جدی نبودن اثر این بند آمده‌است که منع سلاحهای هسته‌ای و تعهد به امحای آنها، یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی است که هیچ استثنایی نمی‌پذیرد. بنابراین، قید خروج که برای دلخوش کردن برخی دولتها پیش‌بینی شده‌است تعهدات عرفی مذکور را خاتمه نمی‌بخشد و دولتهای عضو در صورت خروج هم متعهد به آن خواهند ماند (Cambridge Mass: IPPNW; 1999; 53). خلع سلاح عمومی و کامل، فرایندی تدریجی است. دولتها وقتی به مراحل اجرای آن وارد خواهند شد که اطمینان یا بند مراحل اولیه آن با موفقیت روبه‌رو شده‌است (Joseph Rotblat; 1998). گفته می‌شود که در این صورت، قید خروج، این استمرار نهفته در مفهوم مذکور را با مشکل روبه‌رو می‌سازد (Nicholas A. Sims; 1979; 104-109).

پس چه چیزی سبب شد این قید به رغم مغایرت تئوریک آن با فلسفه و غایت خلع سلاح، باز هم در متن آنها تصریح گردد؟ این همان حاکمیت دولتها و ارتباط نزدیک و عمیق موضوع این معاهدات با امنیت ملی و منافع عالیه آنان است. گرچه امروزه امنیت دیگر بعد صرفاً نظامی ندارد ولی هنوز هم جایگاه این توانمندی نظامی در مقوله امنیت محفوظ است. پس طبیعی است که دولتها در این خصوص حساس باشند و تنها وقتی معاهدات را بپذیرند که در خروج احتمالی از التزام به آنها نیز (در قالب قید خروج) به رویشان باز باشد. قطعاً عدم پیش‌بینی قید خروج، جذابیت معاهده برای الحاق و پذیرش دولتها را تقلیل خواهد داد.

در هر حال، خروج کره شمالی از معاهده ان.پی.تی از منظر محتوایی تعارضی با

1- The Model Convention on the Nuclear Weapons.

حقوق بین‌الملل ندارد و با ماده ۱۰ این معاهده هم سازگار است اما از نظر شکلی، برخلاف موضع این کشور، تنها پس از گذشت مدت زمان مشخص شده در آن ماده، اثر خروج جاری است و از این رو، اعلام فوری بودن اثر خروج، نوعی تخلف از ماده ۱۰ بوده است. با این حال، این تخلف ارتباطی به صحت و سقم مفادی خروج ندارد.

مقاومت مصرانه کره شمالی و مردم آن در قبال هژمونی طلبی آمریکا در شبه جزیره کره، نشان داد که خروج از این معاهده لزوماً تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی در معنای عینی آن نیست و یا با واکنش شدید شورای امنیت روبه‌رو نخواهد شد. پس عرفی بودن مفهوم عدم گسترش، شکاف‌پذیر است به شرط آن که عملکردهای مخالف این مفهوم، به حد قابل توجهی به صورت سازمان‌یافته تبلور یابند. اقدام هماهنگ‌شده سازمانهای جهان سومی در این خصوص، سازنده خواهد بود.

با توجه به آنچه گفته شد، هرچند از نظر حقوقی خروج از آن پی‌تی‌تی حق حاکمیتی هر دولت عضو است ولی آنچه مانع از توصیه این راه‌کار برای کشورهای دیگر، به‌ویژه در وضعیت بین‌المللی کنونی می‌شود، ویژگیهای داخلی و بین‌المللی خاص کره شمالی است. کره شمالی با تکیه بر پشتوانه دستیابی به سلاحهای هسته‌ای و بهره‌مندی از حداقل ۳۰۰ فرزند موشک بالستیک مجهز به کلاهک هسته‌ای، چنین موضعی را اتخاذ کرده است. چین و روسیه از این دولت به عنوان متحد ایدئولوژیک خود و اهرمی برای حفظ منافع در منطقه شبه جزیره کره و جلوگیری از سلطه آمریکا استفاده می‌کنند و بدان چشم امید دارند. در حالی که ممکن است چنین پشتوانه‌های تضمینی برای کشورهای دیگر وجود نداشته باشد. با این حال، مسئله خروج، حقی است که در صورت وجود شرایط حقوقی لازم، قابل استیفاست، اما روند تحولات بین‌المللی به سمت محدود کردن گستره اعمال مشروع آن است؛ ضمن آن که همگراییهای سیاسی و منافع اقتصادی ناشی از همکاریهای بین‌المللی در دنیای روبه‌جهانی شدن، موانع سیاسی فراروی استیفاء این حق را افزایش داده است.

## منابع فارسی

- ۱- فلسفی، دکتر هدایت‌ا... فلسفی (۱۳۷۹). *حقوق بین‌الملل معاهدات*. تهران: فرهنگ نشر نو.
- ۲- ممتاز، جمشید (۱۳۷۵)، *حقوق بین‌الملل سلاحهای کشتار جمعی*، ترجمه و تحقیق امیرحسین رنجبریان، تهران: دادگستر.

**English Reference**

- 3- Sims, Nicholas A. (1990). *Evaluation Paper No.4*, in Graham S. Pearson & alcolm R. Dando (Series eds.), ***The BWC Protocol : Evaluation Papers*** Bradford : Department of Peace Studies, University of Bradford, 1990.
- 4- Carter, Kim S. (1998). "New Crimes against Peace? The Application of International Humanitarian Law Compliance and Enforcement Mechanisms to Arms Control and Disarmament Treaties", in : Canadian Council on International Law and the Markland Group, *Treaty Compliance : Some Concerns and Remedies*, London: Kluwer Law International.
- 5- *Convention on the Physical Protection of Nuclear Material*; Signed at New York March 3, 1980; Ratification advised by U.S. Senate July 30, 1981; Entered into Force February 8, 1987.
- 6- *Convention on the Prohibition of the Development, Production and Stockpiling of Bacteriological (Biological) and Toxin Weapons and on Their Destruction*; Signed at Washington, London, and Moscow April 10, 1972; Entered into Force March 26, 1975.
- 7- Elliot, Jeffrey M. and Reginald, Robert (1989), ***The Arms Control, Disarmament, and Military Security Dictionary***, Oxford, Clio Press Ltd.



- 8- "First Committee Report", Rebecca Johnson, *Disarmament Diplomacy* No 10 (November 1996) ; No 20 (November 1997) ; No 32 (November 1998) ; No 41 (December 1999).
- 9- "IAEA Director General calls on North Korea to reverse its decision on NPT withdrawal", IAEA Press Release, PR 2003/01, January 10.
- 10- IEER Conference : *Nuclear Disarmament, the NPT, and the Rule of Law United Nations, New York, April 24-26, 2000, Nuclear Weapons and International Law*, Merav Datan, *International Physicians for the Prevention of Nuclear War* April 25, 2000.
- 11- James, Alan (1973), "Law and Order in International Society", **The Bases of International Order** : Essays in Honour of C A W Manning, London : Oxford University Press.
- 12- "Jack Straw deplores action by North Korea", UK Foreign & Commonwealth Office ([http:// www.fco.gov.uk./](http://www.fco.gov.uk/)), January 10.
- 13- Kirgis, Frederic L. (Jan. 2003), "North Korea's Withdrawd from Nuclear Non-Proliferation Treaty", *Asil Insights*. <[www.asil.org/insights.htm](http://www.asil.org/insights.htm)>.
- 14- Mathews, R. and McCormack T. (eds.), (1999), *The Changing Face of Conflict and Efficacy of International Humanitarin Law*, London: Kluwer Law International.
- 15- *Model Nuclear Weapons Convention which, in its 1999 form, was a revised version of the 1997 draft submitted by Costa Rica in UN Doc A/C.1/52/7.*
- 16- "N. Korea quits nuclear treaty-next", **BBC News Online**, Jan. 10, <<http://news.bbc.co.uk/2/low/asia-pasific/2644613.stm>>; statement broadcast by the **Korean Central News Agency**, <<http://www.kcna.co.jp/>>; and also the *Acronym Institute Homepage*.
- 17- "North Korea Announces Withdrawal from NPT, January 10: Statement and

- Reaction", *Disarmament Documentation*, [www.acronym.org.uk/docs/index](http://www.acronym.org.uk/docs/index)
- 18- N. Korea Nuclear Crisis - World Reaction, *BBC News Online*, January 10.
- 19- *Convention on the Prohibition of Military or any Other Hostile Use of Environmental Modification Techniques*; Signed in Geneva May 18, 1977; Entered into Force October 5, 1978.
- 20- "Regarding the DPRK's Intention to Withdraw from the Treaty on the Non-Proliferation on Nuclear Weapon's, Russian Foreign Ministry Statement, Document, 36-10-01-2003, January 10.
- 21- Rotblat, Joseph (ed.), (1998), "Nuclear Weapons : The Road to Zero", Oxford : Westview Press for pugwash.
- 22- Saunders, Phillip C. (January 14, 2003), "Assessing North Korea's Nuclear Intentions".
- 23- Schwartz, Stephen I. (Feb. 1998). "Miscalculated Ambiguity : US Policy on the Use and Threat of Use on Nuclear Weapons", *Disarmament Diplomacy*, Issue No.23.
- 24- *Security and Survival : The Case for a Nuclear Weapons Convention*", International Association of Lawyers Against Nuclear Arms, International Network of Engineers and Scientists Against Proliferation, International Physicians for the Prevention of Nuclear War (Cambridge, Mass : IPPNW, 1999), section 2, p.53.
- 25- Sims, Nicholas A. (1990). Evaluation Paper No.4, in Graham S. Pearson & alcolm R. Dando (Series eds.), *The BWC Protocol : Evaluation Papers* Bradford : Department of Peace Studies, University of Bradford, 1990.
- 26- Sims, Nicholas (December 2, 1971), "Biological Disarmament : Britain's New Posture", *New Scientist*, Vol.52, .

- 27- Sims, Nicholas A. (Dec. 1999), "Withdrawal Clauses in Disarmament Treaties : A Questionable Logic?", **Disarmament Diplomacy**, Issue No.42.
- 28- Sims, Nicholas A., "Approaches to Disarmament", revised edition (London : Quaker Peace & Service, 1979); *The Forgotten Treaties : A Partical Plan for World Disarmament*", Allan Mcknight & Keith Suter (Melbourne : Law Council of Australia, 1983).
- 29- *South Pacific Nuclear Free Zone Treaty*
- 30- *Statement attributable to the Spokesman for the [UN] Secretary - General [Kofi Annan] on the Democratic People's Republic of Korea's announcement of its withdrawal from the Nuclear Non-Proliferation Treaty, New York, January 10, 2003; UN website, <<http://www.un.org>>.*
- 31- *The Antarctic Treaty, Signed at Washington December 1, 1959; Entered into Force June 23. 1961.*
- 32- *Treaty Banning Nuclear Weapon Tests in the Atmosphere, in Outer Space and Under Water ; Signed at Moscow August 5, 1963; Entered into Force October 10, 1963.*
- 33- *Treaty Between the United States of America and the Union of Soviet Socialist Republics on the Anti-Ballistic Missile Systems; Signed at Moscow May 26, 1972; Entered into Force October 3, 1972.*
- 34- *Treaty Between the United States of America and the Union of Soviet Socialist Republics on the Limitation of Underground Nuclear Weapon Tests; Signed at Moscow July 3, 1974; Ratified December 8, 1990; Entered into Force December 11, 1990.*
- 35- *Treaty for the Prohibition of Nuclear Weapons in Latin America; Signed at Mexico City February 14, 1967; Entered into Force April 22, 1968.*

- 36- *Treaty on Principles Governing the Activities of States in the Exploration and use of Outer Space, Including the Moon and Other Celestial Bodies; Signed at Washington, London, Moscow, January 27, 1967; Entered into Force October 10, 1967.*
- 37- *Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons; Signed at Washington, London, and Moscow July 1, 1968; Entered into Force March 5, 1970.*
- 38- *Treaty on the Prohibition of the Emplacement of Nuclear Weapons and Other Weapons of Mass Destruction on the Seabed and the Ocean Floor and in the Subsoil Thereof; Signed at Washington, London, and Moscow February 11, 1971; Entered into Force May 18, 1972.*
- 39- *U.S. Arms Control and Disarmament Agency, Washington, D.C. 20451 Office of Public Affairs (202) 647-8677.*
- 40- *US Secretary of State Colin L. Powell & IAEA Director General Dr. Mohamed Elbaradei, remarks to the press, Washington, January 10.*